

۳۰ خرداد را فراموش نکنیم

بهروز جلیلیان

behrouzan@gmail.com

خرداد هر سال یادآور یورش وحشیانه و آغاز کشتار عام انقلابیون در سال ۱۳۶۰ است. به یاد می آوریم که در روزهای پایانی خرداد ماه سال ۱۳۶۰ و یکپارچه شدن حاکمیت خونین ارتجاع مذهبی در ایران و در آن روزهای پرآشوب به فراخوان سازمان مجاهدین خلق ایران، تظاهراتی در خیابان های تهران آغاز شد که برای مقابله با تاخت و تاز جمهوری اسلامی به بنیادهای آزادی با همراهی اغلب نیروهای کمونیستی و سازمان های دمکراتیک توأم بود. در واقع این تظاهرات نه تنها به سازمان مجاهدین بلکه به تمامی نیروهای سیاسی و مترقی ایران تعلق داشت که بر باد رفتن آرمانهای دموکراتیک و عدالتجویانه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ را که زمان چندانی از وقوعش نمی گذشت بر نمی تافتند. حکومت جمهوری اسلامی در پی سرکوب ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به بعد، مجاهدین و همه نیروهای انقلابی و بویژه کمونیست ها را زیر ضرب قرار داد.

از این روز به بعد، اغلب نیروهای انقلابی و کمونیست، حداکثر توان خود را در نبردی نابرابر علیه دژخیمان جمهوری اسلامی بکار بردند، که با بجای گذاردن هزاران مبارز بر خاک افتاده و چندین برابر آن اسیرانی در زندان های جمهوری پلید اسلامی ایران همراه بود. یک روز پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ رژیم خون ریز جمهوری اسلامی کشتار عام انقلابیون را با تیرباران تعدادی از افراد دستگیر شده در این روز به همراه تعداد بیشتری که مدت ها قبل بدلیل واهی دستگیر کرده بود، در این جنگ طبقاتی آغاز کرد. رژیم بناگاه نقاب ریا و خیرخواهی اسلامی خود را به کنار گذارد و چهره پلید و خونخواری از خود به نمایش گذاشت که بسیاری از مبارزین شریف را بدون محاکمه و حتی دانستن نام آنها به جوخه های اعدام سپرد و بنیان حکومت اسلامی خود را بر دریایی از خون انقلابیون بنیاد نهاد.

بایستی به یاد داشته باشیم که آنها در شرایطی بد و دهشتناک و ناجوانمردانه، جان در راه آرمان همگی مان و فردایی بهتر، نهادند. آنان جوان بودند و می توانستند مثل روزگار امروز ما زندگی کنند، شادی کنند، لذت ببرند، تفریح کنند، ازدواج کنند، بچه دار شوند، مسافرت کنند، کوه بروند، غذای خوب بخورند و اما رفقای شهید ما همه چیزهای خوب را برای همگان می خواستند و برایش تا پای جان مبارزه کردند. به یاد داشته باشیم، آنان و آرمانشان را ...

در روز ۳۱ خرداد ۱۳۶۰، رژیم جمهوری اسلامی بنا بر اعتراف خود در دو اطلاعیه دادستانی مرکز، تنها در تهران ۲۳ زن و مرد جوان را اعدام کرد. در همان اطلاعیه های دادستانی نیز اشاره شده بود که بسیاری نام خود را نگفته بودند و امروز هم بعد از گذشت سالیان دراز - با توجه به پژوهش مهناز متین و ناصر مهاجر در آرش شماره ۸-۷۷ - هنوز هم به لیست کامل نام این ۲۳ شهید عزیز

دسترسی نداریم. مطابق اطلاعیه های دادستانی، این افراد در دو نوبت ظهر، ۱۵ نفر و شبانگاه، ۸ نفر به جوخه های اعدام سپرده شده و همگی بدلیل شرکت درتظاهرات روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ محکوم شده بودند، که اغلب آنان بسیار پیشتر به دلایل واهی دستگیر و همگی در این روز برای ایجاد وحشت و نشان دادن قدرت رژیم به نیروهای مخالف توسط دژخیمان حکومتی اعدام شدند. در اینجا نگارنده لیست این عزیزان را با توجه به تحقیقی که اشاره شد در زیر می آورم.

نام	سن	شغل	وابستگی سازمانی	تاهل	تاریخ دستگیری
۱- بهنوش آذریان	-	-	چریک فدایی	-	اوایل خرداد ۱۳۶۰
۲- طاهره آقاخانی مقدم	-	-	گروه نبرد (۵/۸ ماهه حامله بود)	-	مهر ۱۳۵۹
۳- زهرا ابراهیمیان	۲۱	-	مجاهد	-	۳۰ خرداد ۱۳۶۰
۴- کبری ابراهیمیان	۱۹	دانش آموز	مجاهد	-	۳۰ خرداد ۱۳۶۰
۵- آذر احمدی	-	-	مجاهد	-	-
۶- منوچهر اویسی	-	-	چریک فدایی	-	اوایل خرداد ۱۳۶۰
۷- شهلا بالاخان پور	۲۱	دانشجو	راه کارگر	-	۳۰ خرداد ۱۳۶۰
۸- غلام علی جعفری	۲۴	دانشجو	مجاهد	-	۳۰ خرداد ۱۳۶۰
۹- رضا حاجی ملک	-	-	مجاهد	-	-
۱۰- علیرضا رحمانی شستان	۳۱	-	پیکار	مجرد	۲۰ اسفند ۱۳۵۹
۱۱- اصغر زهتابچی	۳۵	بازاری	مجاهد (متاهل با ۳ فرزند)	-	۱۹ خرداد ۱۳۶۰
۱۲- سعید سلطانیپور	۴۲	-	فداییان اقلیت	-	۲۷ فروردین ۱۳۶۰
۱۳- محمد علی عالم زاده حرجندی	۳۱	-	گروه نبرد	متاهل	مهر ۱۳۵۹
۱۴- محسن فاضل	۳۲	-	پیکار	متاهل	۱۴ بهمن ۱۳۵۹
۱۵- کاظم فخرایی	۲۰	-	مجاهد	-	-
۱۶- جعفر قنبر نژاد	۲۳	خبرنگار	مجاهد	-	-
۱۷- جعفر کلاغچی گنجینه	۲۱	دانشجو- کارگر	مجاهد	مجرد	-
۱۸- سید حسین مرتضوی	۱۸	دانش آموز	مجاهد	مجرد	۳۰ خرداد ۱۳۶۰
۱۹- ؟					
۲۰- ؟					
۲۱- ؟					

۲۲- ؟

۲۳- ؟

در پایان با تنها یادداشت هایی که از زندانیان آن دوره بدست آمده، نوشته ام را به پایان می برم. آنها، یادداشت های محسن فاضل است که بر روی کاغذ پوست پرتقال نوشته شده و پس از شهادتش در جیب لباس های خون آلودش، پیدا شد.

رفقا! زندان من سخت است. هر روزش سخت است. آینده اش معلوم نیست و پر از خطر است ولی اینجا من شور مبارزه را بر پا داشته ام. شور مبارزه با این شرایط سخت در راه آرمان ها و هدف های مبارزه ام. شور تولدی دوباره، شور کشف نقطه ضعف ها و انحرافات و درگیری ها و کلنچار دائم با آنها و سرکوب آنها. شور درک عمیق تر اهداف و آرمانی که بخاطرش مبارزه می کنم. شور کارکردن و شعر گفتن برای شما و انقلاب تحت این شرایط. من مصمم هستم تا به آخر آتش این شور را شعله ور نگاه دارم و اگر قرار است پایان زندگی من اینجا باشد با چنین روحیه پرشوری بگذار تمام شود.

یادشان گرامی باد .

۲۳ خرداد ۱۳۸۶

۱۳ ژوئن ۲۰۰۷

منابع :

۱- از آرمانی که می جوشد، شهریور ۱۳۶۴، هواداران سابق سازمان پیکار، سوئد. متن خاطرات شهید محسن فاضل، که تنها دست نوشته های به بیرون آمده از زندان های جمهوری اسلامی است. در سایت اندیشه و پیکار وجود دارد.

<http://www.peykarandees.org/PeykarArchive/pdf/Mohsen-Fazel.PDF>

۲- و گورستانی چنان بی مرز شیار کردند، خرداد ۱۳۸۰، مهناز متین، ناصر مهاجر، مجله آرش، فرانسه، شماره ۷۷-۷۸، صص ۹-۳۲.

۳- پیکار، ارگان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، ۸ تیر ۱۳۶۰، شماره ۱۱۲، صص ۱۴-۱۳.

۴- پیکار، ۱۵ تیر ۱۳۶۰، شماره ۱۱۳، صص ۷-۸، و ۱۰.